

# بحران

## “قانون و قانونگزاری”

در قطعنامه کنونی کنفرانس ملی حزب توده ایران درباره وضع ایران و جهان و وظایف حزب در مرحله کنونی، محل عینی مخالفت مردم با سیاست داخلی و خارجی رژیم ج.ا. “تضاد آشتی‌ناپذیر میان نیاز جامعه به پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از یکسو و روپنای بازدارنده رژیم استبداد قرون وسطایی- مذهبی از سوی دیگر” ارزیابی و تاکید شده است که استقرار نظام خودکامه “ولایت فقیه” مسئله دمکراتیزه کردن نظام اجتماعی - سیاسی را به یکی از مسایل حاد روز تبدیل کرده است.

درستی این ارزیابی واقع بینانه در زمینه های مختلف، از جمله در ارتباط با قرار گرفتن “شورای نگهبان” به مثابه یک نهاد قانونی در بالای سرمجلس و شخص “ولی فقیه” بالای سر این نهاد و ایجاد شدن موانع “شرعی” و “قانونی” بر سر راه تصویب قوانینی که ضرورت آنها در جامعه احساس می‌شود، اثبات شده است. امروزه در چارچوب روپنای بازدارنده رژیم استبداد قرون وسطایی - مذهبی، بحران قانون و قانونگزاری رژیم را با بن بست روبرو ساخته و مسئولان قوه مقننه رسماً در انجام وظایف خود ابراز ناتوانی می‌کنند و هراسان را از مخالفت توده‌ها با رژیم نشان می‌دهند. از سویی هستی رژیم در گرو پرآوردن خواست توده‌ها از جمله در تصویب و اجرای “قوانین بنیادی” است و از سوی دیگر وجود اختاپوس “ولایت فقیه” و “شورای نگهبان” منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ در بالای سرمجلس، و نیز اختلاف‌های درونی بسیار عمیق در مجلس در تضاد با این خواست عمومی قرار می‌گیرد.

پس از ملاقات هاشمی رفسنجانی و گروهی از نمایندگان مجلس با خمینی و طلب استمداد از او، رئیس مجلس در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی این مسئله را چنین شکافت:

“هم اکنون یک سری قوانین در مجلس در دست بررسی است، مانند قوانین جنگلها و مراتع، اراضی شهری، کار، قانون مربوط به تعزیرات و قوانینی از این قبیل که جنبه اقتصادی و یا قضایی دارند و همینطور قانون تجارت خارجی و قوانینی که به پخش تعاونی مربوط می‌شود که با شورای نگهبان اختلاف نظر داریم. اینها همان قوانین بنیادی هستند. مسئله دیگر اختلاف نظر میان اکثریت مجلس و شورای نگهبان در مورد بقیه در ص ۲

## تلاش شورای امنیت و واکنش رژیم ج.ا.

این روزها شورای امنیت سازمان ملل متحد تلاشهای تازه ای را بمنظور پایان دادن به جنگ میان ایران و عراق و حل مسایل مورد مناقشه از راههای مسالمت آمیز آغاز کرده است. پنج عضو دائمی شورای امنیت: اتحادشوری، ایالات متحده آمریکا، چین، انگلستان و فرانسه، پیش نویس طرحی را در این زمینه، در شورای امنیت به بحث گذاشته‌اند. البته این نخستین بار نیست که شورای امنیت برای متوقف کردن جنگ میان ایران و عراق تلاش می‌کند، اما تا بحال این تلاشها، به ویژه پر اثر عدم تمایل رژیم جمهوری اسلامی به پایان گرفتن جنگ، موفقیتی دربی نداشته است. اکنون شورای امنیت قصد دارد از اهرم های معینی نیز برای تحقق تصمیم خود استفاده کند. از واکنش های رژیم و مطالب منتشره در رسانه های گروهی ایران چنین پرمی‌آید که تلاشهای تازه شورای امنیت مورد قبول سران بقیه در ص ۲



شماره ۱۶۱ دوره هشتم  
سال سوم - شنبه ۱۳۶۶/۴/۹  
بها ۲۰ ریال

## گسترش روند انقلابی در گرو شکل گیری عامل ذهنی

مستقل خود متشکل نیست. رژیم ضدملی و ضدمردمی ج.ا. آگاهانه هر گونه آزادی تشکیل سندیکامار را از بین برده تا از تجمع و تشکل کارگران جلوگیری کند. اما، به باور ما این بدان معنی نیست که ما نتوانیم معضل حیاتی بسیج و تشکل کارگران را سازمان دهیم. نخستین گام در این راه، اتحاد آن سازمانهایی است که در راه منافع حال و آینده، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا پیکار می‌کنند. ایجاد تفرقه در میان این سازمانهای یعنی کمک به ادامه تفرقه در صفوف پرولتاریا. این واقعیت را باید درک کرد.

بنابراین عاجل‌ترین وظیفه عبارت است از تأمین تشکل و انسجام طبقه کارگر و تعمیق خصلت طبقاتی مبارزه آن. بدیهی است که وظیفه ما تنها در این چارچوب نمی‌گنجد. نیروهای چپ انقلابی اگر می‌خواهند به عامل ذهنی انقلاب مبدل شوند، نباید فقط به سازماندهی طبقه کارگر بسنده کنند، بلکه باید نیروی محرکه عمده جبهه واحد نیز باشند.

چرا ما مسئله جبهه واحد مرکب از نیروهای انقلابی، مترقی و دمکراتیک را مطرح می‌سازیم و تشکیل آن را یک ضرورت عاجل می‌دانیم؟ جبهه واحد قبل از هر چیز با مرحله انقلاب پیوند مستقیم دارد که آن نیز در ارتباط ناگسستنی با شرایط مشخص - تاریخی و از جمله ساختار طبقاتی و تناسب نیروها در جامعه است.

در اینکه در کشور ما مناسبات تولید سرمایه‌داری دارای نقش سلطاست و تضاد میان کار و سرمایه ناشی از آن هم وجود دارد، جای تردید نیست. اما اگر نیروهای چپ انقلابی معتقدند که رشد نیروهای مولده در ایران به درجه ای رسیده که با مناسبات تولیدی در تضاد است و تضاد آشتی‌ناپذیر میان کار و سرمایه به تضاد عمده تبدیل شده و انقلاب سوسیالیستی بلاواسطه در دستور روز قرار دارد و عامل ذهنی آن نیز آماده است، در اینصورت هر گونه تأملی در این زمینه خیانت به طبقه کارگر خواهد بود.

تشدید تضادهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، بعنوان محصول بیش از هشت سال حاکمیت رژیم ج.ا.، از ویژگیهای جامعه ما در شرایط کنونی است. اکثر مردم کشور ما بر سر دوراهی انتخاب فقر و فلاکت و ارتجاع مذهبی قرون وسطایی یا آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی قرار دارند. احدی نمی‌تواند منکر آن گردد که در چنین شرایطی نقش عامل ذهنی در پیشرفت روند انقلابی روز بروز افزایش می‌یابد. منظور از عامل ذهنی چیست؟ عامل ذهنی، یعنی نیرویی که بتواند توده‌های میلیونی خلق را برای مقابله با رژیم ضدخلقی بسیج کند. عامل ذهنی موتور انقلاب است و بدون آن عوامل عینی انقلاب - حتی در صورتیکه وجود داشته باشند - نمی‌توانند عمل کنند. در تعیین عامل ذهنی باید وضع مشخص اجتماعی هر جامعه و تناسب نیروها در آن مورد نظر قرار گیرد. عامل ذهنی با مرحله انقلاب نیز ارتباط مستقیم دارد.

ما کمونیست‌ها در راه ایجاد جامعه‌ای مبارزه می‌کنیم که در آن از بهره‌کشی انسان از انسان اثری باقی نماند. ما برآنیم که فقط در چنین جامعه‌ای می‌توان به آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی واقعی و همه جانبه دست یافت. این نیز بدون استقرار حاکمیت استثمار شوندگان، یعنی طبقه کارگر و متحد آن دهقانان تهیدست امکان پذیر نیست. شرط ضرور برای رسیدن به این هدف عالی، مسئله تشکل طبقه کارگر و در درجه اول پرولتاریای صنعتی است. تا زمانی که نتوان طبقه کارگر را برای مبارزه سر سخت و پیکر طبقاتی بسیج کرد، تا زمانی که نتوان بخش پیشروی آن را در صفوف حزب واحد این طبقه متحد ساخت، هر گونه سخنی درباره انقلاب اجتماعی، تأمین مژمونی، آلترناتیو چپ جز تکرار اصول عام و مسلم مارکسیستی - لنینیستی و چشم بستن بر واقعیت‌های موجود نخواهد بود.

در کشور ما نه تنها در بین نیروهای چپ انقلابی بیرو سوسیالیسم علمی، یعنی مدافعان منافع طبقه کارگر، تفرقه بی‌سابقه ای حاکم است، بلکه طبقه کارگر نیز در اتحادیه‌ها و سندیکاهای آزاد و

### در مضامین بعد

- در اتحاد شوروی چه می‌گذرد؟ در ص ۴
- کنگره جهانی زنان - در مسکو در ص ۸

بقیه در ص ۷

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



## بحران "قانون و ..."

مبنای فقهی است... مواردی پیش می‌آید که میان مجتهدین مجلس و مجتهدین شورای نگهبان اختلاف نظر پیدا می‌شود. در این صورت قانون گیر می‌کند... از این نظر از حضرت امام استدعا کردیم ایشان که مرجع تقلید ما هستند وسیع تر و بهتر در این مسئله دخالت کنند و مسائل را حل فرمایند."

رفسنجانی که معتقد است در شرایط کنونی غیر از شخص خمینی "هیچ کس زیر این آسمان وجود ندارد که این مسائل را حل کند" در واقع صریحا به ضعف و درماندگی رژیم اعتراف کرده است. وجود اختلاف نظر میان اکثریت مجلس و شورای نگهبان و بویژه میان "مجتهدین" دو نهاد پر سر "مبنای فقهی" نشان می‌دهد که رژیم علیرغم ادعاهایی که می‌کند نتوانسته و نمی‌تواند برنامه و نظر مشخصی را در حل مسایل حاد گریبانگیر جامعه ارائه کند و خود را با پن پست روپرو می‌پیند. درگیریها و زدوخوردها و کشمکش ها با "شورای نگهبان" کار را به چنان جای پارکی کشانده که یکی از نمایندگان می‌گوید: "با روند فعلی مجلس عملا از مسئولیت پرکنار خواهد شد و عملا به کارهای بسیار جزئی و پیش پا افتاده مشغول خواهد شد و در هر مورد که به سیاستگزاری می‌رسد که مرکز اصلی آن مجلس است، با تفسیرها و تاویل ها و برداشتهای مختلف از شرع و قانون اساسی، عملا مجلس مخلوع بد شده است." نگاهی به ماحصل کار مجلس که نتوانسته است هیچ قانونی را به نفع توده‌های محروم و زحمتکش و در جهت پیشرفت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تصویب کند و اگر هم گامی برای تصویب قوانین نیم بند پرده‌پوشه، با مانع "شورای نگهبان" روپرو شده است، این واقعیت را آشکارتر می‌سازد. یکی دیگر از نمایندگان، میزان برگشتی قوانین از شورای نگهبان در ظرف سه سال اخیر را "حدود ۴۸٪" اعلام می‌کند. پدیده‌ی است آنچه که مورد قبول شورای نگهبان واقع شده یا قوانینی به نفع غارتگران اجتماعی بوده و یا مربوط به آن "کارهای بسیار جزئی و پیش پا افتاده" بوده است که بود و نبودشان فرقی نمی‌کند و از مشکلات جامعه چیزی نمی‌کاهد.

اما عدم تصویب و اجرای "قوانین بنیادی" تنها مربوط به "اختلاف نظر میان اکثریت مجلس و شورای نگهبان در مورد مبنای فقهی" نمی‌شود، بلکه علاوه بر آن، اختلاف‌های درونی مجلس نیز این وضع بغرنج را بغرنج تر می‌سازد. با آن که به فرمان خمینی قوانینی که برحسب "ضرورت" با دوسوم آرا در مجلس تصویب شوند، نیازی به تصویب شورای نگهبان ندارند، اختلاف میان چنانچه در درون مجلس عمیق تر از آن است که لااقل دوسوم نمایندگان بتوانند در توافق با یکدیگر در برابر "شورای نگهبان" صف آرای

کنند و آن را در برابر عمل انجام شده قرار دهند. بقول یکی از نمایندگان، مجلس "صحنه" پرخوردیهای غیراصولی و گاهما خلاف اخلاق است و از نمایندگان چنین مجلسی نمی‌توان انتظار پرخوردیهای اصولی در جهت خواست مردم داشت.

مسئله مهمتر اینکه حتی اگر مجلس نیز توان تصویب قوانین برحسب ضرورت را در خود ببیند "ولی فقیه" و چانشین او، از بالای سر "شورای نگهبان" مانع می‌شوند. منتظری در دیدار با اعضای "شورای نگهبان" ضمن آنکه از این نهاد ارتجاعی بعنوان "فیلتری برای محکم کاری مواد قانونی و مصوبات مجلس" نام می‌برد، در برابر کسانی که مسئله "ضرورت" را مطرح می‌کنند و از "احکام ثانویه" سخن به میان می‌آورند، به آنها توهنی می‌زنند و می‌گویند: "مسئله" "ضرورت" همانگونه که حضرت امام مدظله عالی فرمودند، مسئله مبهم و قابل دقتی است و آن امری است که گاهی اتفاق می‌افتد. باید مشکلات را ریشه‌یابی و برای آنها راه حلی پیدا کرد، نه اینکه به هر مناسبتی "ضرورت" مطرح شود و احیانا موجب بی‌اهمیت کردن قوانین اسلام و احکام اولیه گردد. بدین ترتیب "قوانین بنیادی" همچنان در تار عنکبوت این اگر و مگوا و مسائل "مبهم و قابل دقت" باقی می‌مانند و روپنای بازدارنده رژیم استبداد قرون وسطایی - مذهبی مانع تصویب و اجرای آنها می‌شود.

درگیریهای مجلس و شورای نگهبان و نیز اختلاف‌های درونی مجلس تاچندی پیش بطور چست و گریخته در روزنامه‌های مجاز انعکاس می‌یافت و یا به اشکال دیگر درز پیدامی‌کرد، اما امروز شکلی علنی‌تریافته و طرفین در "مساجد" و "منابر" به چنان یکدیگر افتاده‌اند و هر کدام دیگری را "مقصر" و "عامل" ناسامانی‌ها جلوه‌گر می‌سازد. واقعیت این است که برآیند کار رژیم در مجموع به ضرر توده‌ها، به ویژه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بوده است. مردم از رژیم انتظار داشتند که به وعده‌های داده شده عمل کنند. بقول یکی از نمایندگان، مردم پرمبنای آن سخنان خمینی حرکت می‌کردند که می‌گفت: "ما سرمایه‌داران و فئودالها و خوانین را به پای میز محاکمه می‌کشانیم." به نظر من حتی یک مورد احتمال اینکه این مالکین بزرگ، مالکیتشان مشروع باشد نمی‌دهم." "اگر حقوق الهی از این سرمایه‌داران اخذ بشود و تمام آنچه را که دارند بدهند بازهم مدیون بدهکار هستند." رژیم در عمل نشان داد که چنین انتظاری را نمی‌تواند برآورده سازد و کوتاه ساختن دست سرمایه‌داران و فئودالها و خوانین با تصویب و اجرای قوانین بنیادی توسط خیانتکاران به آماجهای مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب بهمن ۵۷ سرابی پیش نیست.

## شهادت فدایی خلق ابراهیم پورنیا در زیر شکنجه

هر شب ستاره‌ای به زمین می‌کشند و باز  
این آسمان غم زده غرق ستاره‌هاست

باز هم حاکمان "شرع" و "بازجویان" دست به خون آلودند و یکی از فرزندان دلاور خلق، رفیق ابراهیم پورنیا، از اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را در زیر شکنجه‌های وحشیانه به شهادت رساندند.

ما این جنایت رژیم را محکوم می‌کنیم و از همه نیروهای مترقی و انقلابی می‌طلبیم که برای نجات جان زندانیان سیاسی از بند، یک لحظه از پای ننشینند.

همچنین روز هشتم تیر روز شهادت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است. در این روز رفقای فدایی حمیداشرف، محمد حسین حق نواز و محمدرضا یثربی از رهبران و نیز هشت تن از مسئولان سازمان در نبرد با مزدوران شاه جان باختند. ما یاد شهیدان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را گرامی می‌داریم.

## زیر این کاسه نیم کاسه‌ای است

کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان آتش گرفت و ۸۵ هزار جلد کتاب طعمه حریق شد. از این رقم عظیم، ۲۰ هزار جلد در زمره کتاب های بسیار نفیس، بی نظیر و کمیابی بود که طی سی سال از اطراف و اکناف جمع آوری و در آن ذخیره شده بود. "پساری از کتاب ها چاپ سنگی (چاپ اول) بود.

علاوه بر کتابخانه، ساختمان دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان سوخت و به نوشته "اطلاعات" "دیر قابل استفاده نیست."

چرا و چگونه چنین جنایتی انجام شد؟ بدرستی معلوم نیست. مسئولان مربوطه می‌گویند در اثر "مسامحه"، اما مسئله به این سادگی نیست. بفرض که بپذیریم که "مسامحه‌ای" در امر وقوع آتش سوزی شده باشد، چرا همانند آتش سوزی سینما رکس آبادان در آستانه انقلاب دستگاه‌های خاموش کننده آتش کار نکردند؟ چرا "شیر امداد" خراب بود؟ چرا ماشین آتش نشانی دیر آمد و وقتی که آمد آب نداشت؟

روزنامه "اطلاعات" می‌نویسد: "مجموعه این موارد پیش از آنکه نشانه‌های مسامحه باشد، علامت بی لیاقتی و ناآشنائی آنانی است که به

بقیه در ص ۲

# نابود باد جنگ، زنده باد صلح!



## تلاش شورای امنیت و...

جمهوری اسلامی نیست و رژیم همچنان بر مسئله " صدور انقلاب اسلامی " و تحمیل "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق" و به دیگر سخن ایجاد یک حکومت دست نشانده "اسلامی" در کشور همسایه پای می فشارد.

تفسیرهای صدای جمهوری اسلامی در این روزها سرشار از نفی مطلق همه سازمانها، ارگانها و شخصیت های بین المللی است که برای برقرارکردن صلح میان ایران و عراق کوشیده اند و می کوشند. سران جمهوری اسلامی در پی کسب پیروزی نظامی هستند و در این راستا از تهدید آشکار و بی پرده و گاه دیوانه وار همسایگان و حتی "ابرقدرت ها" نیز بمنظور ایجاد "خوف" آهایی ندارند. آرزوی دست یافتن به پیروزی با تکیه بر سلاح "شهادت" چشمانشان را بر واقعیات دنیا بسته است. می گویند حتی اگر این جنگ منجر به ناپودی کامل ایران و محو بشریت از روی کره زمین هم بشود پاک نیست!

در دنیای کنونی که جنگ افزارهای ویرانگر هسته ای و شیمیایی و باکتریولوژیکی بقای بشریت را تهدید می کند و مسایلی از قبیل حفظ محیط زیست ، یافتن منابع تازه انرژی و نظایر آن فرا روی تمام جوامع بشری قرار گرفته است، همه دولتمردان باخرد و دورنگر، نواندیشی سیاسی را برای اجتناب از جنگ و حل مسایل عمومی جامعه بشری پیشنهاد می کنند. اما سران جمهوری اسلامی که گویی در دنیای پندار با فانه دیگری می ژیند از کنار این مسایل بی تفاوت می گذرند. فزون بر این آنان چون دیگر "شهادت طلبی" را برای تحقق مقاصد توسعه طلبانه خود کافی نمی دانند، به تقلید از میلیتاریسم ژاپن در جنگ جهانی دوم دست به تشکیل گروه های "انتحاری" زده اند تا شاید بتوانند به هدفهای خود دست یابند.

در قطعنامه هایی که هفته های گذشته از سوی رژیم پناهم دانشجویان انتشار یافت، عناصر اصلی تشکیل دهنده سیاست خائنان پرانداز رژیم آشکارا دیده می شد: " ما آماده عملیات شهادت طلبانه و انتحاری علیه نیروهای آمریکا در خلیج فارس هستیم " ، " هیچ مسئله ای برای این ملت به اهمیت جنگ نیست، حیات اسلام در گرو پیروزی در جنگ می باشد، لذا ضمن تاکید بر شعار جنگ، جنگ تا پیروزی... بخصوص دانش آموزان و دانشجویان را به شرکت گسترده در جبهه های جنگ دعوت می کنیم " ، " ما به سازمان ملل متحد اعلام می کنیم... که در نزد ملت ایران فاقد مشروعیت لازم می باشد " ، " ما اعلام می کنیم که دولت کویت در مقابل نیروهای مرزی و مسلح ایران شدیداً آسیب پذیر است و جزایر و پنادرو تاسیسات و کشتی های کویت حتی به راحتی می تواند مورد هجوم نظامی قرار گیرد... " ، " ما به دولت های منطقه هشدار می دهیم که... در صورت تسلیم شدن به خواست های آمریکا، برای ملت ایران راهی جز مقابله باقی نخواهد ماند. " و الی آخر.

مواد این قطعنامه ها که ترکیبی از

ماچراچویی، جنگ طلبی، گنده گویی، تهدید و بی مسئولیتی در قبال سرنوشت بشریت نیازی به توضیح و تفسیر ندارد. ریشه این مواد را باید در سخنان بالاترین مقامات دولتی و مذهبی یافت . چند نمونه:

موسوی نخست وزیر: "اگر قرار باشد که ابرقدرتها علیه ما توطئه کنند از همه نیروهای خود در سراسر جهان علیه آنان استفاده می کنیم..."

رفیق دوست وزیر سپاه: " هریک از پسیچیان ما موشک اگزوستی است که می تواند یک ناو جنگی آمریکا را به قعر دریا بفرستد."

کمال خرازی مسئول تبلیغات جنگ: " ابرقدرتها... هرچه سریعتر منطقه خلیج فارس را ترک کنند... در غیر اینصورت ایران این توان را خواهد داشت که امکانات ابرقدرتها را در منطقه به مخاطره اندازد... برای ابرقدرتها شرمندگی خواهد داشت که یک قایق توپدار ایران ناو جنگی آنها را غرق کند."

آیت الله جنتی: " این کوتی های، نمی فهم این دولت چه دولتی است... اگر بنابشود بخواهند ایران در مقابل تو یک جواب بگویند هیچ لازم نیست لشکر کشی بکنند، فقط پسیچی های یک استان را می گویند آقا شما بروید آنجا هر چه امکانات داشته باشد ما می دهیم... آنجا می فهمید به اینکه کویت هستید و چه کاره هستید؟" (کذافی الاصل!)

علاوه بر این نوشته ها و سخنان تحریک آمیز و جنگ طلبانه، رژیم جمهوری اسلامی اخیراً اقدامات نظامی خود در جبهه های جنگ را نیز تشدید کرده است تا اگر بتواند تصمیم شورای امنیت را پیشاپیش عقیم سازد.

بدون تردید سران مرتجع جمهوری اسلامی برای خود حسابهای دیگری هم دارند. مثلاً هیچکس در کشورهای غربی تصور نمی کرد که ریکان ، سرکرده پخش هار و متجاوز امپریالیسم آمریکا، توسط اسرائیل برای رژیم خمینی جنگ افزار و دیگر کمک های نظامی بفرستد. ولی این اکنون دیگر واقعیتی است که همه جهانیان از آن اطلاع دارند. حساب ریکان این بود که حکومت تئوکراتیک خمینی که از نظر اقتصادی وابستگی زیادی به غرب امپریالیستی دارد می تواند سلاح کارآیی علیه اتحاد شوروی و بطور کلی دولتهای مستقل منطقه نظیر هندوستان و افغانستان و جنبش های رهایی بخش ملی در این بخش از جهان باشد. اما تزلزل های درونی رژیم جمهوری اسلامی که کم کم دارد به مرزهای خطرناکی می رسد و ناتوانی مطلقش در حل مسایل اقتصادی و اجتماعی کشور که تشدید کننده تزلزل هاست به اضافه نفرت روزافزون مردم از اختناق قرون وسطایی حاکم و توسعه دامنه فساد و جنایت و انحطاط فرهنگی و اخلاقی، وضعی را بوجود آورده است که نمی تواند به حساب نیاید.

رژیم جمهوری اسلامی دیگر بدون پیروزی در این جنگ آینده را تیره و تار می بیند. به گفته خودشان " حیات اسلام در گرو پیروزی در جنگ می باشد." این جنگ طلبی و ماچراچویی دائمی

نمی تواند خلقهای منطقه و مجامع جهانی را نگران نکند، اما مردم ایران اگر خود را از شر این رژیم ارتجاعی خلاص نکنند، بی گمان گزاف ترین پها را برای آتش افروزیهای سران مرتجع جمهوری اسلامی خواهند پرداخت.

## زیر این کاسه نیم کاسه ای...

نحوی از انحاء در مسیر این حادثه غم انگیز مسئولیتی داشته اند."

در " بی لیاقتی " مسئولین تردیدی نیست ، اما ما پرآنیم که زیر کاسه نیم کاسه ای بوده است . برخی از دانشگاهیان معتقدند که این آتش سوزی با قصد قبلی و به منظور محو آثار سرتق های بی شماری از میان ارزنده ترین دست نوشته ها، صورت گرفت. چندی پیش کتاب های با ارزش زیادی ظاهراً اثر " نشست آب " در کتابخانه مجلس " از بین رفته بودند ". اما به نوشته " لوموند " رد این آثار " در یک سالن فروش در آمستردام " پیدا شد.

در میان کتاب های خطی دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان آثار منحصر بفردی بوده که قیمت بعضی از آنها که ارزش تاریخی داشته اند تا چند میلیون تومان برآورد شده بوده است. از جمله مجموعه ای وجود داشته که یکی از دست نوشته های " حافظ " ضمیمه آن است. با آن که بقول یکی از افرادی که به نوشته " اطلاعات " سال ها برای این کتابخانه زحمت کشیده " کلیه کتاب های خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان بوده و " از خطر مصون مانده است " معلوم نیست که آثار یاد شده جزء آنهاست یا نه

این اولین بار نیست و آخرین بار نیز نخواهد بود که رژیم ج.ا. ثروت های ملی و فرهنگی میهن ما را ناپودی می کند و یا به تاراج می برد. تاریخ اندیشان و کسانی که بخاطر پول دست به هر جنایت فجیعی می زنند تا کفون خسارت های بسیار جدی به آثار باستانی ، کتابخانه ها، موزه ها ، آثار هنری و غیره وارد ساخته اند. چنین کسانی بودند که آرامگاه فردوسی در توس را مورد تهاجم قرار دادند. کمتر مرکز فرهنگی و هنری از چشم زخم دستبرد آنان در امان مانده است . تا کی باید اجازه داد که این جنایت های فرهنگی ادامه پیدا کند؟

روی سخن ما با روشنفکران فرهنگ دوست و انقلابی ، دانشجویان ، دانش آموزان و همه کسانی است که پر از دست رفتن گنجینه های هنری و فرهنگی کشور تاسف می خورند.

پخش و تکثیر " نامه مردم "

در داخل کشور وظیفه هر

عضو و هوادار حزب است!





## در اتحاد شوروی چه می گذرد؟

با گذشت هر هفته و ماه به روز بزرگداشت هفتاد سالگی انقلاب اکتبر نزدیکتر می شویم و چنانکه در فراخوان کمیته مرکزی (اردیبهشت ۱۳۶۶) بدرستی خاطر نشان گردیده است: "برگزاری هر چه باشکوهرتر هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر یک وظیفه انقلابی است".

بر این بنیان، "نامه مردم" در نظر دارد برای معرفی دستاوردهای سرگ انقلاب اکتبر، تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی، مطالب گوناگون و متنوعی را منتشر سازد. بعنوان آغاز، مقاله "در شوروی چه می گذرد؟" طی چند شماره به چاپ می رسد. نگارش این مقاله تلاشی است در راستای معرفی روند و ماهیت دگرگونی های اخیر در اتحاد شوروی.

امسال بشریت مترقی هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را جشن می گیرد. هفتاد سال پیش پرچم ظفرنمون انقلاب سوسیالیستی با آرمانهای والای مبارزه در راه کمونیسم، آزادی، برابری و صلح و پیشرفت اجتماعی و نیز پیکار علیه سلطه گری و استثمار، فقر و بی حقوقی ملی در روسیه به اهتزاز درآمد. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که برای نخستین بار در جهان به استثمار انسان از انسان پایان داد و نخستین کشور کارگران و دهقانان را بنیان گذارد با حمایت توده های عظیم مردم در سراسر کره زمین روبرو گردید. سوسیالیسم از علم به عمل درآمد.

هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر در شرایطی برگزار می شود که اندکی پیش از یکسال از بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی می گذرد. این کنگره تصمیم هائی اتخاذ کرد که بحق آنها را انقلابی می نامند. در فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خلق شوروی گفته می شود: "اکتبر کبیر امروز در کارهای ما ادامه می یابد؛ در کشور یک دگرگون سازی انجام می شود که از نظر محتوا کارسازنده انقلابی است و هدفش این است که پیشرفت جامعه سوسیالیستی را شتاب بخشد. مشی سیاسی حزب، پلنوم آوریل کمیته مرکزی و کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی بعنوان بازتاب اراده خلق در همین راستاست".

بازتاب مشی تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی و دمکراتیزه کردن جامعه پیش از پیش جامعه شوروی از بالا تا پائین (یعنی گسترش دمکراسی در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، گسترش دمکراسی درون حزبی، علنیت، انتقاد و انتقاد از خود، آشتی ناپذیری در برابر نارسائی ها و...) که مضمون و محتوای دگرگون سازی مورد نظر بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را تشکیل می دهد، در جهان چگونه بود؟

همه نیروهای مترقی در جهان از مشی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی با خرسندی استقبال کردند. اما دشمنان ایدئولوژیک سوسیالیسم و مبلغان بورژواژی آشکارا به تحریف آن پرداختند. هدف از تفسیر هائی که دشمنان سوسیالیسم پیرامون دگرگون سازی در اتحاد شوروی می کنند، تحریف مشی تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی در آن کشور است. مضمون نظراتی را که در این زمینه اشاعه داده می شود در یک جمله می توان خلاصه کرد: کمونیسم غیر قابل تغییر است. آنها می گویند گویا تدابیری که در اتحاد شوروی اتخاذ می گردد نشانه "شکست سوسیالیسم" به مثابه یک نظام اجتماعی-اقتصادی برتر از سرمایه داری است.

منظور از اینگونه تحریف و تبلیغ سو روشن است. نظریه پردازان بورژواژی می خواهند چنین تلقین کنند که نظام سرمایه داری بر نظام سوسیالیستی برتری دارد. آنها از برخی نارسائیها و کاستی ها که زائیده خطاهای صورت گرفته در سالهای دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد است و این خطاها مورد انتقاد حزب کمونیست اتحاد شوروی واقع گردیده، چنین "نتیجه" می گیرند که گویا نظام سوسیالیستی طی هفتاد سال تنها با ناکامی روبرو بوده است.

در این رهگذر، حزب ما را نیز مستقیم و بیاغیر مستقیم مورد انواع پرسشها قرار داده اند. مثلاً، برخی از نیروهای چپ ایران که هنوز به کنه آنچه که در اتحاد شوروی می گذرد پی نبرده اند و چگونگی مناسبات میان احزاب کمونیستی و کارگری را آنچنان که نباید درک نکرده اند، می پرسند: بچه علت حزب توده ایران از همبستگی انتقاد آمیز به ساختمان جامعه سوسیالیستی در کشورهای سوسیالیستی خودداری می کند؟ می گویند: چرا ما، در گذشته از دستاوردهای عظیم سوسیالیستی سخن می گفتیم؟ می پرسند: چرا ما قبل از حزب کمونیست اتحاد

شوروی رأسأبر نارسائیها و خطاهای موجود در ساختمان سوسیالیسم در آن کشور انکشت نگذاشتیم؟

پاسخ روش است و چنانکه خواهیم گفت دستاوردهای سوسیالیسم طی هفتاد سال واقعاً نیز عظیم بوده است. ما در این مقال خواهیم کوشید تا آنچه را که در اتحاد شوروی می گذرد با استناد بر اسناد برنامه ای حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد بررسی عمیق و همه جانبه قرار دهیم.

در اینجا فقط به تذکر یک مسئله مهم اکتفا می کنیم. حزب ما بر آن است و ما این اصل را بارها خاطر نشان ساخته ایم، که احزاب کمونیست و کارگری در تعیین خط مشی سیاسی خود استقلال کامل دارند. آنها هستند که می توانند به نارسائیها و خطاهای خود بهتر پی ببرند. در مورد کشورهای سوسیالیستی این ما نیستیم که باید به احزاب برادر حاکم درس ساختمان جامعه سوسیالیستی بدهیم. ساختمان سوسیالیسم در این یا آن کشور، پیمودن راه از قبل هموار شده نیست، بلکه راهی است پر فراز و نشیب. در چنین شرایطی بروز خطا و اشتباه نه امری ناممکن، بلکه ناگزیر است. وظیفه ما که در راه به ثمر رساندن انقلاب سوسیالیستی در کشورمان مبارزه می کنیم و تجربه معینی در تئوری و پراکتیک ساختمان سوسیالیسم و بفرنجی راههای تکامل آن نداریم، طبیعتاً و به حکم فروتنی انقلابی، درس گیری از تجربه گرانمایه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول نخستین کشور سوسیالیستی جهان - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - است و نه درس آموزی به آنها.

### اهمیت استراتژی تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی

برخلاف تبلیغات دشمنان سوسیالیسم، استراتژی تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی و دمکراتیزه کردن هر چه بیشتر همه شئون زندگی اجتماعی در اتحاد شوروی بهیچ وجه به معنی نفی دستاوردهای عظیم و جهانشمول مردم اتحاد شوروی طی هفت دهه پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نبوده و نیست.

در فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خلق شوروی در این باره صریح و روش سخن رفته است. در این فراخوان گفته می شود: "اکتبر کبیر و سوسیالیسم، مبین ما را از آن رنج و تنگدستی که هم اکنون نیز زندگی خلقهای بسیاری از کشورهای جهان را مسموم می کند، رها کند. در نزد ما دیگر خبری از بهره کشی انسان از انسان نیست. بیکاری نیست. بوع ستم ملی نیست. فقر و بیسوادی نیست. زحمتکشان در شرایط تأمین اجتماعی و اطمینان به فردا زندگی می کنند.

انقلاب اکتبر برای تحقق همین آماجها صورت گرفت و هم از اینروست که سوسیالیسم وجود دارد.

در روند ساختمان سوسیالیسم، کشور ما تبدیل به یک دولت پرتوان صنعتی، با ظرفیت اقتصادی و علمی-فنی نیرومند گردید. یکی از بالاترین سطوح آموزش توده ها در مقیاس جهانی بدست آمد. در خانه های زحمتکشان بهروزی راه یافت. خدمات پزشکی رایگان، دلسوزی دولت برای مادر و کودک، برای پیشکوتان جنگ و کار و شهروندان سالخورده، قاعده عادی زندگی شد. هر روز هزاران خانواده وارد خانه های نوساز می شوند".

در فراخوان بدرستی خاطر نشان می شود که پیروزی انقلاب سوسیالیستی حقوق و آزادیهای واقعی را برای انسان زحمتکش تضمین کرد و حاکمیت شوراها، یعنی دمکراتیک ترین شکل دولتی برگزیده، خلق را بنیاد گذارد. نظام زاده اکتبر برابری خلقها و همکاری برادرانه آنها را تأمین کرد. اقتصاد و



اجتماعی و درباره ' علل بروز آنها سخن می‌رود. بر پایه ' ابن اسناد، در نیمه ' اول دهه ' سالهای هفتاد و آغاز دهه ' هشتاد در نتیجه ' برخی خطاها و نیز کم بها دادن به ضرورت اصلاحات بنیادی در سمت بهره‌گیری از توان بالقوه ' جامعه ' سوسیالیستی، شرح رشد اقتصادی رو به کاهش گذارد. در نتیجه نه تنها آماجهای مورد نظر برنامه ' سوم بلکه حتی هدفهای تعدیل شده ' برنامه‌های پنجساله ' نهم و دهم نیز تحقق نیافت و حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی نتوانستند برنامه‌های اجتماعی را بطور کامل به مورد اجرا گذارند.

بدیهی است که کنگره ' بیست و هفتم استراتژی تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی را فقط در آهنگ رشد خلاصه نمی‌کند. افزایش آهنگ رشد، فقط یک بخش، آنهم نه بخش عمده ' استراتژی مصوب کنگره ' بیست و هفتم است. زیرا آهنگ رشد اقتصادی همیشه منعکس کننده ' ژرفای ساختاری و کیفی تحول نیست. موضوع مهم گذار به کیفیت نوین رشد اقتصادی است.

در کنگره ' بیست و هفتم تصریح شد که بموقع خود به سنجش سیاسی وضع اقتصادی کم بهاد داده شده و در بر آورده ساختن نیاز حیاتی گذار رشد اقتصادی به تشدید شربخشی از طریق کاربرد دستاوردهای علمی و فنی (رشد اتانسیو) و پویایی آن و مالا دگرگونسازی ساختار پایه ' فنی تولید دقت کافی مبدول نشده و اگر چه در این زمینه تصمیم‌های گوناگونی اتخاذ گردیده، اما این تصمیم‌ها از دایره ' حرف پافرا تر نگذارده است. اقتصاد کشور بیشتر از طریق بکارگیری هر چه بیشتر نیروی کار و جذب ذخائر مادی به تولید می‌توانست رشد یابد. بی‌آمد روش اتخاذ شده، کاهش بازده کار و تقلیل شربخشی شاخص‌های اقتصادی بود. در نتیجه اقتصاد کشور که منابع هنگفتی را در اختیار داشت با کمبود روبرو گشت و شکاف میان مصرف اجتماعی و سطح موجود تولید و نیز شکاف میان قدرت پرداخت و تأمین منابع آن ایجاد شد.

مشی تسریع فقط یک مسئله ' اقتصادی - اجتماعی نیست، بلکه تحول در

نه امری ناممکن، بلکه ناگزیر است. وظیفه ' ما که در راه به‌ثمر رساندن انقلاب سوسیالیستی در کشورمان مبارزه می‌کنیم و تجربه ' معینی در تئوری و پراتیک ساختمان سوسیالیسم و بخرنجی راههای تکامل آن نداریم، طبیعتاً و به حکم فروتنی انقلابی، درس‌گیری از تجربه ' گرانبهای کشورهای سوسیالیستی و در درجه ' اول نخستین کشور سوسیالیستی جهان - اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - است و نه درس آموزی به آنها.

ساختار جامعه، تکمیل عدالت اجتماعی و برابری، رشد دموکراسی در زندگی اجتماعی، دموکراتیزه کردن بیشتر سیستم سیاسی، اعتلای حیات فرهنگی پاسخگوی زمان و تحول معنوی رانیز در هر می‌گیرد. بهمین دلیل گفته می‌شود که تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی یک مشی استراتژیک است و برای دورنمای نسبتاً طولانی محاسبه شده و دارای خصلت برنامه‌ای است. این بدان معنی است که هدف‌نهایی و طرق و وسائل دستیابی به آن و نیز نیروهای محرکه‌ای که باید به مشی استراتژیک تحقق بخشند، دقیقاً تعیین شده است. هدف‌نهایی استراتژی تسریع عبارت است از: گذار جامعه ' شوروی در همه ' عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و معنوی به مرحله ' کیفیتاً نوین.

رشد سوسیالیسم در اتحاد شوروی بجائی رسیده بود که بدون اتخاذ تدابیر ژرف برنامه‌ای در کلیه ' زمینه‌ها، استفاده از امکانات عظیم سوسیالیسم به سود انسانها ناممکن بود. سوسیالیسمی که امروز در اتحاد شوروی وجود دارد با سوسیالیسم سالهای دهه ' ۳۰ از نظر کیفی و اصولی فرق دارد. سوسیالیسم کنونی رشد یافته‌تر است، اما پیژ و هشگران شوروی بر آنند که اتحاد شوروی هنوز در آغاز سوسیالیسم رشد یافته است. چنین برخوردی به سوسیالیسم رشد یافته در گذشته وجود نداشت و از این مفهوم فقط برای نشان دادن دستاوردها استفاده می‌شد. این امر نارسائی‌ها را زاپرده‌پوشی می‌کرد. مثلاً، نارسائی‌های موجود در اقتصاد کشاورزی، در خدمات و در حل برخی از معضلات رشد اجتماعی بیان نمی‌شد.

نارسائی‌ها و خطاهائیکه مورد انتقاد کنگره ' بیست و هفتم و پلنوم ژانویه ' کمیته ' مرکزی حزب کمونیست قرار گرفت زائیده ' عوامل عینی و ذهنی بود.

فرهنگ همه ' جمهوری‌ها اعتلا ' یافت. خلق واحد شوروی شکل گرفت که به دستاوردهای مشترک خود می‌بالد و آماده است از دستاوردهای سوسیالیستی خویش در برابر هر گونه چنگ اندازی دفاع کند.

در فراخوان خاطر نشان می‌شود: "ساختمان سوسیالیسم در اوضاع و احوال هرج و مرج اقتصادی و ویرانی ناشی از چنگ آغاز شد. تقریباً سه دهه، اتحاد شوروی بیکه و تنها در برابر جهان سرمایه‌داری ایستادگی کرد و پیوسته در معرض فشار و شانتاژ امپریالیستی قرار داشت. کشور ما در جنگ علیه تجاوز هیتلری بیست میلیون نفر از پسران و دختران خود را از دست داد و از یک سوم ثروتهای طبیعی‌اش محروم گردید. ما می‌بایست سالهای سال در شرایط حد اکثر تنش نیروها و همراه با محروم کردن خود از لازمتترین چیزها زندگی کنیم. ما بایرداری کردیم، ما را نتوانستند به زانو در بیاورند و در هم بشکنند."

اگر امروز سیمای جهان بگونه‌ای ژرف تغییر کرده است، اگر پیش از یک سوم بشریت زنجیر بهره‌کشی سرمایه‌داری را گسیخته‌اند، اگر امپراطوریهای استعماری دیگر یافت نمی‌شود، اگر نیروی پرولتاریای بین‌المللی که احزاب مارکسیستی - لنینیستی، کمونیستی و کارگری بیانگر منافع آن هستند بگونه‌ای بیسابقه افزایش یافته و جنبش‌های وسیع دمکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد چنگ گسترش می‌یابد، اینها همه و همه ره آورد اکتبر کبیر بشمار می‌روند.

رفیق کارباچف در گزارش به بیست و هفتمین کنگره ' حزب کمونیست اتحاد شوروی از جمله گفت: "اتحاد شوروی طی ربع قرن پس از تصویب برنامه ' سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی به پیروزیهای خیره‌کننده‌ای نائل آمده است. ذخائر اقتصادی ما هفت برابر افزایش یافته است. هزاران مؤسسه ساخته شده و رشته‌های جدیدی بوجود آمده است. درآمد ملی تقریباً ۴ برابر و تولید صنعتی ۵ برابر و تولید کشاورزی ۱/۷ برابر افزایش داشته است. اگر

حزب ما بر آن است، و ما این اصل را بارها خاطر نشان ساخته ایم، که احزاب کمونیست و کارگری در تعیین خط مشی سیاسی خود استقلال کامل دارند. آنها هستند که می‌توانند به نارسائی‌ها و خطاهای خود بهتر پی ببرند. در مورد کشورهای سوسیالیستی این مانع نیستیم که باید به احزاب برادر حاکم درس ساختمان جامعه ' سوسیالیستی بدهیم. ساختمان سوسیالیسم در این یا آن کشور، بپیمودن راه از قبل هموار شده نیست، بلکه راهی است پرفراز و نشیب. در چنین شرایطی بروز خطا و اشتباه

پیش از جنگ و نیز در نخستین سالهای پس از آن سطح رشد اقتصادی ابالات متحده ' آمریکا برای ما دست نایافتنی می‌نمود، در سالهای دهه ' هفتاد ما از لحاظ پتانسیل علمی - فنی و اقتصادی بطرز محسوسی به آن نزدیک شدیم و در تولید برخی از انواع کالاها مهم بر آن پیشی گرفتیم."

اتحاد شوروی راه به فضای کیهانی رابروی بشریت گشود. اتحاد شوروی با تأمین توازن نظامی - استراتژیک میان پیمان "ناتو" و پیمان "ورشو"، نقشه‌های تجاوزکارانه ' امپریالیسم را عقیم گذارد و امکانات آن را در برافروختن جنگ هسته‌ای به میزان قابل ملاحظه‌ای محدود کرد.

چرا ما توده‌ایها باید چنین دستاوردهای شگرفی را تبلیغ نمی‌کردیم؟ ما که در راه سوسیالیسم و تأمین حاکمیت طبقه ' کارگر و متحدان آن در کشور خود می‌رزمیم ناظر بیطرف نیستیم. ما دستاوردهای همسایه ' بزرگ و دیوار به دیوار سوسیالیستی خود را موفقیتهای خود می‌دانیم.

استراتژی تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی و دگرگونسازی مصوب بیست و هفتمین کنگره بر شالوده ' این دستاوردهاست که جامعه ' عمل پوشیده و خواهد پوشید. به بیان دیگر، مرحله ' کنونی رشد جامعه ' شوروی، ادامه ' منطقی دگرگونیهای است که با انقلاب اکتبر پایه‌گذاری شده است. سند برنامه‌ای مصوب کنگره ' بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی مسئله ' پس مهم بهره‌گیری همه جانبه از قدرت بالقوه ' سوسیالیسم را که بعزل عدیده در مرحله ' معینی از رشد اقتصادی نادیده گرفته می‌شد، مطرح می‌کند.

در اسناد پلنوم آوریل (۱۹۸۵)، کنگره ' بیست و هفتم و همچنین پلنوم ژانویه ' (۱۹۸۷) حزب کمونیست اتحاد شوروی با صراحت پیرامون کاستی‌ها و خطاهای فعالیت سیاسی و علمی، گرایشهای ناخوشایند در عرصه‌های اقتصادی و

برافراشته باد درفش شکست ناپذیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!



رفیق گارباچف، دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در سخنرانی خود بهنگام بازدید از رومانی دربارهٔ ایجاد ناهمگونی در رشد رشته‌های جداگانه اقتصاد از جمله به عامل عینی زیرین اشاره کرد. وی گفت دولت شوروی می‌بایست نیروی خود را بطور عمده متوجه رشد صنایع سنگین برای تحکیم دفاع کشور و دستیابی به برابری نظامی-استراتژیک با ایالات متحده آمریکا به منظور تأمین امنیت تضمین شده برای اتحاد شوروی و متحدان سوسیالیستی می‌کرد.

اما در سالهای اخیر به این تدابیر اجباری عوامل ذهنی نیز افزوده شد. در پلنوم ژانویه حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان شد که در اثر نادیده گرفتن اصول و شیوه‌های لنینی ساختمان جامعه نوین، نقض قوانین سوسیالیستی و قواعد دمکراتیک زندگی در حزب و جامعه، در نتیجه اشتباهات اراده‌گرایانه، جزم اندیشی در تفکر و ماندگاری در فعالیت عملی بهای گزافی پرداخت شد.

کنگره بیست و هفتم و پلنوم ژانویه بر خورد جزم اندیشانه به قوانین و مقولات اقتصادی، دمکراسی سوسیالیستی و عدالت اجتماعی سوسیالیستی را مورد انتقاد شدید قرار داد.

کنگره بیست و هفتم اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسئله تطابق نیروهای مولده و مناسبات تولیدی در سوسیالیسم داد. کنگره بی اساس بودن تصور تضمین خود بخودی تطابق مناسبات تولیدی با خصلت نیروهای مولده در شرایط سوسیالیسم را نشان داد. رفیق گارباچف در گزارش سیاسی خاطر نشان کرد که مناسبات تولیدی سوسیالیستی چشم انداز گسترده‌ای فرا روی رشد نیروهای مولده می‌گشاید. اما تحقق این امر نیازمند تکمیل مستمر مناسبات تولیدی است. و این بدان معناست که باید شیوه‌های کهنه مدیریت اقتصادی را هموقع دید و شناخت و شیوه‌های نوین را جایگزین آنها کرد.

این ارزیابی کنگره بیست و هفتم دارای اهمیت تئوریک فوق‌العاده است. دانشمندان شوروی در تحلیل نارسائیها در این زمینه خاطر نشان می‌سازند که در دوره معینی تصویری سطحی و متافیزیکی درباره "عدم تضادها در سوسیالیسم" وجود داشت. چنین تصویری مانع عمل بود. حال آنکه دیالکتیک مارکسیستی کلاً بر پایه پذیرش تضاد به مثابه سرچشمه رشد استوار است. آنجا که تضاد وجود ندارد، رشد و حرکت نمی‌تواند وجود داشته باشد.

تئوری مارکسیستی ضرورت انطباق خصلت و سطح نیروهای مولده با مناسبات تولیدی را دقیقاً تعیین کرده است. دانشمندان شوروی دو عنصر نیروهای مولده را بر جسته می‌کنند: خصلت نیروهای مولده و سطح رشد آنها. وقتی از تضاد اصلی سرمایه‌داری سخن می‌رود، تضاد میان مالکیت خصوصی و خصلت اجتماعی نیروهای مولده مطرح است. استقرار مالکیت عمومی در جریبان انقلاب سوسیالیستی، این تضاد را حل می‌کند: خصلت اجتماعی نیروهای مولده با خصلت اجتماعی تصاحب و با مالکیت همخوان می‌گردد. اما معضل چگونگی انطباق مناسبات تولیدی با سطح نیروهای مولده باقی می‌ماند.

سطح نیروهای مولده، مفهومی متحرک و متغیر دارد، مستمر رشد می‌یابد، اما اشکال مناسبات تولیدی، از آنجمله سازماندهی مدیریت، سیستم قیمت‌ها، دستمزدها، حسابداری اقتصادی، یعنی آنچه که معمولاً اشکال مشخص مناسبات تولیدی نامیده می‌شود کند می‌شود و یا اصولاً منجمد می‌گردد. در چنین صورتی نیروهای مولده رشد می‌یابند، اما از اشکال یاد شده عقب می‌مانند و تبدیل به ترمز رشد نیروهای مولده می‌شوند. بنابراین در سوسیالیسم تضاد میان رشد بی‌وقفه نیروهای مولده و اشکال مشخص مناسبات تولیدی وجود دارد، و همواره تجدید تولید می‌شود و باید دائماً آن را حل کرد. درست بهمین دلیل، چنانکه خاطر نشان شد، کنگره بیست و هفتم روی اعتلای مستمر مناسبات تولیدی تکیه می‌کند. اگر این شرط در نظر گرفته نشود، مناسبات تولیدی خواه ناخواه به ترمز راه پیشرفت فنی، افزایش اثربخشی تولید و حل مسائل اجتماعی مبدل خواهد شد.

در سال ۱۹۶۵ در نتیجه برخی اصلاحات، رشد موزون اقتصادی تأمین گردید. کارشناسان شوروی سالهای ۱۹۷۰-۱۹۶۶ را بهترین دوره رشد در ربع قرن اخیر ارزیابی می‌کنند. آهنگ رشد فزاینده کار، درآمد واقعی اهالی و درآمد ملی در سالهای اول دهه ۷۰ نیز ادامه داشت. این به معنی شمر بخشی تدابیر اتخاذ شده در آن ایام بود. پدیده‌ای منفی از سالهای دهه ۷۰ آغاز شد و در فاصله سالهای ۱۹۸۲-۱۹۷۲ شکل حادی تظاهر پیدا کرد. این خود مبین آن است که مکانیسم مدیریت و تدابیر دیگر باید مستمر انکامل یابد.

کنگره بیست و هفتم و پلنوم ژانویه حزب کمونیست اتحاد شوروی رهنمودهای ضرور را برای هدایت رشد اقتصادی-اجتماعی به مسیر درست ارائه

کردند.

نخستین گام در این ست عبارت است از تغییر سیاست ساختاری و سرمایه‌گذاری به قصد گذار از شاخص‌های کمی به کیفی. نوسازی تولید، بهره‌گیری بهتر از منابع سوخت و مواد خام و تسریع تولید صنعتی بر اساس دستاوردهای علمی-فنی در مرکز این سیاست قرار دارد.

دگرگونسازی اجتماعی-اقتصادی در وهله نخست تغییر کیفی در پژوهش علمی را مطرح می‌سازد. حزب کمونیست اتحاد شوروی سیاست تقویت بنیان مادی و فنی پژوهشهای علمی را به منظور ایجاد شرایط ضرور جهت کار پربار پژوهشگران شوروی، دنبال می‌کند. هدف این است که سنگبری علوم در جهت نیازهای اقتصاد ملی با توان بیشتری صورت گیرد. کنگره بیست و هفتم اصلاحات بنیادی در نظام آموزشی از ابتدائی تا عالی را در دستور روز قرار داد.

کنگره بیست و هفتم برنامه‌ریزی دولتی اتحاد شوروی، کمیته دولتی علوم و فنون، آکادمی علوم و همه وزارتخانه‌ها و ادارات را ملزم می‌سازد که به پژوهشهای پایه‌ای و کاربردی نتایج آنها در تولید، توجه بیشتری داشته باشند. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تأمین کامل نیازهای غذایی کشور اهمیت خاص قائل است. در کنگره خاطر نشان شد که برنامه جامع در این زمینه در سال ۱۹۸۲ تنظیم و به موقع اجرا گذارده شده است. در این عرصه پیشرفت وجود دارد، اما به واپس ماندگی در تولید کشاورزی هنوز پایان داده نشده است. چرخش قطعی در بخش کشاورزی طی برنامه پنج ساله دوازدهم در نظر گرفته شده است.

گسترش هر چه بیشتر پایگاه مادی و فنی تولید محصولات کشاورزی، بهره‌گیری از نیروی بالقوه مجتمع‌های کشاورزی-صنعتی و تغییر در مدیریت آن، از جمله گامهای برابری است که باید برای حل نهایه مسئله تأمین کامل نیازهای غذایی برداشته شود.

اصلاحات بنیادی در مدیریت اقتصادی منطبق با نیازهای استراتژی رشد اجتماعی-اقتصادی، یکی دیگر از مسائل مورد نظر در اتحاد شوروی است. ارتقا کارآئی هدایت مرکزی اقتصاد، به معنی تقویت نقش مدیریت مرکزی در حل هدفهای اصلی استراتژی اقتصادی، تعیین نرخ و تناسب آهنگ رشد اقتصاد ملی و تأمین رشد موزون آن، پایان دادن به دخالت مدیریت مرکزی در فعالیت عادی روزانه، گسترش چارچوب خودمختاری مؤسسات و بهنگامها بقصد بالا بردن سطح مسئولیت آنها، گسترش هر چه بیشتر شیوه حسابداری اقتصادی اداره مؤسسات به معنی اتکا به خویش و تأمین سرمایه خود، وابسته ساختن مستقیم سطح درآمد تعاونیها به بازدهی کارشان، تجدید سازمان نظام تأمین مادی-فنی، بهبود سیستم قیمت‌گذاری، ایجاد مجتمع‌های صنعتی مربوط بهم و نیز مراکز پژوهشی و فنی میان رشته‌ای، رشد اجتماعی و اقتصادی همگون جمهوری‌ها و مناطق، دمکراتیزه کردن همه جانبه مدیریت، تقویت نظارت از پائین و... تدابیر بنیادی در جهت اجرای موفقیت آمیز استراتژی اقتصادی حزب کمونیست اتحاد شوروی بشمار می‌آیند.

در گزارش سیاسی به کنگره بیست و هفتم گفته می‌شود که هر گونه سازماندهی مکانیسم اقتصادی با تغییر شیوه تفکر، کنار گذاردن شیوه‌های کهنه فکری و عملی انسانها ارتباط دارد. اکثر مردم شوروی تصور روشنی از ابتکارهای حزب دارند. اما هستند افرادی که هنوز حاضر نیستند از گذشته جدا شوند. در برابر موضع اینگونه مسئولان هیچ نرمشی در میان نخواهد بود.

کنگره بیست و هفتم بازنگری در برخی مسائل تئوریک را مطرح ساخت. هدف، اصلاح عدول از اصول و قانونمندیهای ساختمان جامعه سوسیالیستی است. کنگره خاطر نشان کرد که باید به مسئله مهم تنظیم روابط مالکیت سوسیالیستی در راستای تضمین اولویت بی‌چون و چرای منافع کل مردم نسبت به منافع صنایع و مناطق توجه گردد. از آنجائیکه وزارتخانه‌ها و ادارات و نهادهای منطقه‌ای مالک وسایل تولید نبوده و نیستند و فقط به مثابه ابزار دولتی در برابر جامعه مسئول استفاده شمر بخش و صرفه جویانه از ثروت عمومی هستند، باید شدیداً با همه مسائلی که سد راه تحقق برتری‌های مالکیت سوسیالیستی هستند مبارزه کرد.

با در نظر گرفتن نقش مالکیت تعاونی در تولید سوسیالیستی افزایش نقش تعاونی‌های کار در استفاده از مالکیت عمومی مورد نظر قرار گرفته است.

کنگره خواهان پایان دادن به تعصب پیرامون روابط پولی-کالاای گردید و خاطر نشان کرد که این روابط تأثیر مثبت بر شور و شوق مردم به کار بهتر و کارآئی تولید دارد. بدیهی است که حرف بر سر روابط بنده پولی-کالاای بر پایه سوسیالیسم است. ادامه دارد...



طبقاتی ندارد. سازشکاری طبقاتی یعنی کمک به بورژوازی در بهره‌کشی بیرحمانه از کارگران. حال آنکه بسیج توده‌ها بکس، پرولتاریا را در صف مقدم مبارزه انقلابی قرار می‌دهد، به هم آهنگ ساختن مبارزه همه نیروهای انقلابی، مترقی و دمکراتیک برای سرکوب دشمن اصلی و تحقق دگرگوشازی ساختار اجتماعی - اقتصادی یاری می‌رساند. بسیج توده‌های میلیونی به معنی انجام چنان تحول بنیادی است که موقعیت طبقه کارگر را برای احراز رهبری سیاسی بهبود می‌بخشد و دورنمای سوسیالیستی را بروی کارگران می‌گشاید.

جبهه متحد خلق و برنامه عمل پیشنهاد شده از جانب حزب توده ایران همه این جوانب مسئله را مد نظر قرار داده است. این برنامه دگرگونی جامعه را در گرو تشدید مبارزه طبقاتی به رهبری طبقه کارگر و متحد آن دهقانان تبه‌دست می‌داند. در عین حال ما اعتقاد راسخ داریم که دستیابی به رهبری سیاسی به تغییر تناسب نیروهای طبقاتی و چگونگی جذب توده‌های زحمتکش بستگی دارد. اگر ما نتوانیم در این عرصه حیاتی پیروز شویم، نخواهیم توانست به رهبری سیاسی و سرانجام حاکمیت سیاسی احراز حاکمیت به منظور ساختمان سوسیالیسم را دست یابیم. ما می‌گوئیم باید موانع را از سر راه باید مطرح کند و گویا هر گونه اتحادی با دیگر برادشت. یکی از بزرگترین آنها تفرقه میان نیروهای سیاسی مترقی و دمکراتیک خارج از اهداف برنامه سازمان طبقه کارگر، کارگران را از هدف اصلی دور می‌سازد.

طرح اینگونه نظرات نه جدید است و نه مختص کشور ما. بی‌پایگی آنها بارها و بارها هم در کشور ما هم در دیگر کشورها به اثبات رسیده است. مسئله اتحادها به قصد بسیج توده‌های میلیونی برای مبارزه انقلابی هیچ وجه مشترکی با سازشکاری ظاهرًا بمنظور پالا بردن پازده کار و کیفیت قسمتهای مختلف کارخانه از قبیل تولید سواری، وانت، اتوبوس، ریخته‌گری و غیره مطرح گردیده است. کارگران ایران ناسیونال این طرح را نیز حیلۀ جدیدی برای جدا کردن قسمتهای گوناگون کارخانه و تبدیل آن به واحدهای کوچکتر و نهایتاً سرکوب جداگانه کارگران می‌دانند.

## دو خبر کوتاه

✱ قطع برق، هر روز چند ساعت، به شدت موجب کاهش درآمد کارگران کارمزد در صنوف شده است. با قطع برق تولید می‌خواهد و بدیهی است که کارمزدی نصیب آنها نمی‌شود.

✱ سال گذشته کارخانه‌های تائیرسازی بعلت کمبود ارز برای تهیه مواد اولیه تا ۴۰٪ کاهش تولید داشته‌اند. برای تامین نیازهای دولتی، تاکنون تعداد زیادی تائیر توسط سپاه، وزارت کار، وزارت بازرگانی و... از خارج وارد شده است.

## گسترش روند انقلابی...

امادرمیان سازمانهای چپ کمتر سازمان جدی را می‌توان سراغ داشت که چنین تصویری از مرحله انقلاب داشته باشد. هم اکنون طرح برنامه برخی از سازمانهای چپ انتشار یافته است. هیچیک از آنها مرحله کنونی انقلاب را سوسیالیستی ارزیابی نمی‌کنند. اینکه این سازمانها در مسئله مرحله انقلاب و مآلا ضرورت تشکیل جبهه واحد به وضع اصولی حزب ما نزدیک شده‌اند، جای خوشحالی است. اما همین سازمانها هنوز هم پیشنهاد اصولی ما درباره ایجاد جبهه متحد خلق را عدول از دستیابی به حاکمیت و سپردن آن بدست بورژوازی، معرفی می‌کنند. این ارزیابی ناشی از عدم درک دستیابی به حاکمیت از طریق تحقق بخشیدن به اصل لنینی اتحادها است. حاملان این نظر برآنند که گویا این مشی "اپورتونیستی" و "سازشکارانه" است و مفهوم آن دور شدن از مواضع طبقاتی پرولتاریا، هدفهای سوسیالیستی و فراموشی سپردن مارکسیسم - لنینیسم است. به نظر آنها، طبقه کارگر فقط مسئله احراز حاکمیت به منظور ساختمان سوسیالیسم را باید مطرح کند و گویا هر گونه اتحادی با دیگر برادشت. یکی از بزرگترین آنها تفرقه میان نیروهای سیاسی مترقی و دمکراتیک خارج از اهداف برنامه سازمان طبقه کارگر، کارگران را از هدف اصلی دور می‌سازد.

طرح اینگونه نظرات نه جدید است و نه مختص کشور ما. بی‌پایگی آنها بارها و بارها هم در کشور ما هم در دیگر کشورها به اثبات رسیده است. مسئله اتحادها به قصد بسیج توده‌های میلیونی برای مبارزه انقلابی هیچ وجه مشترکی با سازشکاری



## از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

### اخراج کارگران در غرب کشور

کارخانه‌های غرب کشور به دلیل کمبود ارز و مواد اولیه یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند و روز بروز تعداد بیشتری از کارگران به صف طویل‌بیکاران می‌پیوندند.

در کارخانه سیمان غرب گروهی از تکنسین‌ها و کارگران ماهر به دلیل مخالفت با رفتن به جبهه از کار اخراج شدند. در این واحد، همبستگی با اخراج شدگان به نحو پارتی دیده می‌شود. نظیر این اخراجها در کارخانه‌های بافندگی و ریسندگی غرب و بافندگی و ریسندگی کشمیر انجام شده است. از کارخانه‌های قند بیستون و گونی‌بافی مجموعاً بیش از ۷۰۰ نفر اخراج و یا در جبهه کشته و زخمی شده‌اند. در واحدهای مختلف تولیدی غرب، پویژه در سیمان غرب و بیستون، اغلب کارگران به اخذی‌های رژیم برای کمک به جبهه تن در نمی‌دهند.

### طرح اجاره "ایران ناسیونال"

#### شکست خورد

در "ایران ناسیونال" هر از گاهی طرح جدیدی برای انحلال یا نحوه اداره آتی کارخانه مطرح می‌شود و زمزمه‌های آن نیز پوسیده مدیران قسمتها به کارگران منتقل می‌شود. پس از طرح "پاز خرید اختیاری کارگران" که بر اساس آماری منجر به اخراج بیش از ۸۵۱۶ نفر از کارگران جدید و با سابقه کارخانه گردید، مدتی (استخدامی پس از سال ۶۱) و همچنین تحویل گروهی از کارگران به صنایع نظامی و دیگر کارخانه‌ها بر سرزبانها بود. حدود دو ماه پیش نیز طرح اجاره دادن کارخانه به کمپانی بنز آلمان در اثر مشکلات ارزی و عدم توانایی دولت در تامین قطعات مورد نیاز مطرح شد که با عکس العمل منفی و استهزاء آمیز کارگران روبرو شد. بر اساس این طرح کارخانه ایران ناسیونال بعنوان یکی از واحدهای کمپانی بنز آلمان از هر جهت در کنترل کامل کشور بیکانه قرار می‌گرفت و "تولیدات" آن نیز برای تامین ارز در کشورهای خارجی پفرش می‌رسید. مسئولان کارخانه تا کنون چرات اعلام این طرح را نداشته‌اند. اخیراً نیز طرح جدیدی برای اداره آتی کارخانه بعنوان "طرح خودکفایی قسمت‌ها"

ما خواهان تشکیل جبهه متحد خلق با شرکت نیروهای انقلابی، مترقی و دمکراتیک هستیم. روشن است که ضد کمونیست‌های افسار گسیخته نمی‌ترانند متحد ما باشند. در عین حال باید توجه داشت که در شرایط کنونی مرز میان نیروهای انقلابی و ضد انقلابی، از بین کمونیستها و ضد کمونیستها نمی‌گذرد، بلکه مرز وحد فاصل از بین اپوزیسیون واقعی خواستار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و اپوزیسیون ارتجاعی می‌گذرد که می‌کوشد با زهر کمونیسم ستیزی جنبش انقلابی را فلج کند. در این مرحله، مرز وحد فاصل دیگری نمی‌توان قائل شد.

برای غلبه بر ارتجاع و عمال امپریالیسم باید مردم را به مقیاس گسترده‌ای در یک جبهه متحد کرد. چنین اتحادی باید جزئی از زندگی اجتماعی آنان گردد، به بیداری و آگاهی و تسک و بیکارجویی آنها یاری کند.

کارگران مبارز! پولای دستیابی به خواستههای صنفی و سیاسی خود، متشکل و متحد شوید!



## ستاره تابناک

مفتم تیرماه ۱۳۵۳ رزمنده ای گرانقدر و سخت کوش از تبار مبارزان توده ای به اسطوره ها پیوست.

رفیق شهید هوشنگ تیزابی در سال ۱۳۲۲ در تهران بدنی آمد. پس از پایان دوره دبیرستان در سن ۱۹ سالگی وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد و در سنکر رزم دانشجویان راه مبارزه را پرگزید. هوشنگ در نخستین گامها در دام خصم پلید گرفتار شد، اما پس از رهایی پیگیرتر و پوینده تر فعالیت سیاسی را پی گرفت. او می گفت مرزی بین زندگی و مبارزه نیست. زندگی خود مبارزه ای پس طولانی است. هوشنگ این شعار را چنان با زندگی آمیخت که با تمام وجودش وقف مبارزه گردید.

یاردیگر در سال ۱۳۴۲ دستگیر شد اما زیر شکنجه های وحشیانه میر غضب های شاه لب از لب نکشود و استوار ماند. پس از شکنجه های بسیار او را در پیدادگاه نظامی شاه به محاکمه کشیدند. اما او به دفاع از حقوق پایمال شده توده های محروم برخاست و در پاسخ دلسوزی رئیس پیدادگاه که از او خواست بخاطر حفظ خودش چنان سخنانی نگوید، گفت: "من شرافت اخلاقی و ایدئولوژیکی ام را به هیچ نفروخته و نخواهم فروخت. میثاق من با توده های زحمتکش عالی ترین و عمیق ترین پیوندهاست".

او را به ده سال زندان محکوم کردند اما به علت کمی سن، این مدت به پنج سال کاهش یافت. پس از آنکه در سال ۱۳۴۹ از بند رها شد یاردیگر به مبارزه در راه رهایی محرومان میهن برخاست و اینبار حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، را یافت. او می گفت:

"من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم. نفرت از حزب توده میراث پدرم بود، اما ایمان به این حزب، نبرد و شهادت و سوسیالیسم را خودم یافتم. کینه ام کور بود، اما ایمانم چراغ در دست داشت". این جان عاشق چنان شیفته آرمانهای والای حزب توده ایران بود که بی پروا همه وجود خود را وقف مبارزه در راه حزب کرد. هوشنگ در تاریکی انبوه ستشاهی مشعلی فرزوان پرافروخت تا راه مبارزان را روشن کند و آن را "پسوی حزب" نامید.

پس از چندسال یاردیگر خود را در شکنجه گاه یافت اما ایمان تابناکش همچون کوهی استوار و خلل ناپذیر، در برابر دژخیمان قد افراشت. او در شکنجه گاههای شاه اسطوره شد تا مبارزان از رزم و زندگی اش بیاموزند و نیرو بگیرند. هوشنگ تیزابی از ستارگان درخشانی است که همواره پرفراز راه مبارزان کمونیست می درخشد و پرتو نورش امروز هم به قلب ادامه دهندگان راهش گرما می بخشد.

## "کنگره جهانی زنان" در مسکو

ماندلا در "کنگره جهانی زنان" مانعت ورزید. روز جمعه نمایندگان "کنگره" و بیش از ۲۰ هزار تن از مردم مسکو در "پارک گورکی" مسکو در تظاهرات شرکت کردند، که شعار آن "صلح، خلع سلاح و کیهانی بری از جنگ افزارهای هسته ای" بود. "فدراسیون بین المللی زنان دمکرات" در این تظاهرات مدال "اوژنی کوتون" را به شهر مسکو اعطا کرد. پدینسان، از پایتخت اتحاد شوروی، بعنوان "مظهر صلح و دوستی" قدردانی شد، شهری که، پگفته فردا پراون، "همواره سرچشمه ابتکارات صلح بوده و هست.

روز سه شنبه ۲۴ ژوئن "کنگره جهانی زنان" در "کاخ کنگره ها" ی مسکو آغاز شد. فردا پراون، رئیس "فدراسیون بین المللی زنان دمکرات"، در سخنرانی گشایشی خود به نزدیک ۲۰۰۰ نماینده، ناظر و میهمان کنگره از ۱۵۴ کشور جهان خوش آمد گفت. از جمله نمایندگان "کنگره جهانی زنان" هیئت نمایندگی "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" است (گزارش فعالیت این هیئت بعدا چاپ خواهد شد).

در نخستین روز برگزاری کنگره میخائیل گارباچف سخنرانی کرد.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل "کنگره جهانی زنان" را "نمونه ستایش پراتیکز آگاهی فزاینده زنان کشورهای گوناگون و علاقمندی آنان به رویدادهای جهان" خواند.

به گفته او "جنبش جهانی زنان پرتوان صلح و حسن نیت بسی افزوده و نظر جهانیان را به خود معطوف ساخته است"

گارباچف افزود:

"پایان سده بیستم به چرخشی در تاریخ بشریت مبدل شده است. حتی اگر بخش کوچکی از جنگ افزارهای موجود بکار افتند، چیزی بجز تل خاکستر از جهان باقی نخواهد ماند. پیشگیری از چنین فاجعه ای وظیفه نخستین همگان است. تنها با توسعه، اعتماد و خلع سلاح می توان پسوی آینده گام برداشت و جز این چاره ای نیست."

رهبر اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت که کشور او همچنان به جستجوی راههای عملی خلع سلاح ادامه خواهد داد و متذکر شد، که "غرب" نیز نباید در این زمینه بیکار بماند.

بعد از ظهر روز سه شنبه "کنگره جهانی زنان" در هشت کمیسیون و سه کانون بحث، کار خود را پی گرفت.

نمایندگان بیش از ۸۰۰ سازمان ملی، با گرایش های مختلف سیاسی، ۷۸ سازمان بین المللی و منطقه ای و ۱۵ نهاد سازمان ملل متحد تا روز شنبه ۲۷ ژوئن در محیطی آزاد به بحث درباره چگونگی تشدید مبارزه زنان برای صلح، عدالت و برابری حقوق پرداختند.

خاویر پرنز دکوتیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، در پیام خود به "کنگره جهانی زنان" "شرکت همه جانبه و برابر حقوق زنان را در این مبارزه "حیاتی" خواند.

در حاشیه کنگره، جلسات همبستگی فراوانی نیز برگزار می شود. از جمله این کردهائی ها می توان از "میتینگ همبستگی با زنان آفریقای جنوبی" یاد کرد. باید خاطر نشان ساخت که رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی از شرکت وینی

### به برنامه های

## رادیوی زحمتکشان ایران

### گوش فرادهید!

هم میهمان عزیزا کارگران و زحمتکشان! رادیوی زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی بند و آزاد توده های رنجبر میهن ماست. به برنامه های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ بمدت یکساعت زوی امواج کوتاه، ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنامه پخش می کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

### کمک مالی به حزب توده ایران

### یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:  
Sweden  
Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
N: 040012650  
Dr. John Takman

### کمکهای مالی رسیده:

سام ۱۰ دلار  
نادر ۲۰ دلار

NAMEH  
MARDOM  
No. 161

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

30 Juni 1987

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است